

تأثیر جغرافیای محیطی بر اخلاق و رفتار مردم بصره در عصر امام علی(ع)

اکرم السادات حسینی*

کمال صحرائی اردکانی**، علی محمد میرجلیلی**

چکیده

شناخت محیط و عوامل جغرافیایی شهر بصره و تأثیر آن‌ها در اخلاق و رفتار مردم، در کنار آگاهی از سایر عوامل فردی و اجتماعی مردمان این شهر در عصر امام علی(ع) می‌تواند اسباب انحراف بصریان در بیعت شکنی با امام علی(ع) و برپایی جنگ جمل را روشن‌تر نماید. امام علی(ع) بعد از پیروزی در جنگ جمل، بصریان را نکوهش کرده و افکار سفیهانه مردم این شهر را متأثر از عواملی از جمله محیط جغرافیایی بصره دانسته است.

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای به‌ویژه کتاب نهج‌البلاغه و بیانات حضرت علی(ع) در مواجهه با مردم بصره، تلاش می‌کند علل و اسباب رفتار و اخلاق مردم را در مخالفت با امام علی(ع) در حوزه تأثیر عوامل جغرافیایی در آن دوران تبیین نماید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که محیط طبیعی و عوامل جغرافیایی مانند (آب، خاک، هوا، مسیرهای مواصلاتی، بندری بودن، نزدیکی به

* کارشناس ارشد نهج‌البلاغه، گرایش اصول دین، علوم و معارف علوی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)، hoseinyhonoomarwar@gmail.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران، sahraei@meybod.ac.ir

*** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران، almirjalili@meybod.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱

کشورهای متمدن و غیره) در کنار عوامل متعدد دیگر، در اخلاق و رفتار بصریان تأثیر گذاشته و در نتیجه بخشی از علل و زمینه‌های انحراف آن‌ها از امام علی (ع) به واسطه محیط طبیعی شکل گرفته است. البته عوامل طبیعی تأثیر جبرگونه و غیرقابل تغییر نداشته و فقط تسهیل‌کننده و بسترساز انحراف رفتاری مردمان بصره در رویارویی با امام علی (ع) در عصر علوی بوده است. تأثیرناپذیری بخشی از بصریان از این عوامل و همیشگی نبودن آن‌ها بیانگر مقید بودن این تأثیر در کلام امام علی (ع) است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، بصره، محیط جغرافیایی.

۱. مقدمه

بی‌شک، محیط‌زیست انسان بر فکر، اندیشه، اعمال و رفتار او دارای تأثیری شگرف است و بخشی از اخلاق و شخصیت هر انسانی تحت تأثیر محیط زندگی او شکل می‌گیرد. افرادی که در محیط‌های گوناگون زندگی می‌کنند از نظر شخصیتی و اعتقادی با همدیگر متفاوت هستند. چنان‌که محیط جغرافیایی هر منطقه باعث روی‌آوری افرادی خاص به آن منطقه می‌شود که با در نظر گرفتن شرایط و امکانات موجود در آنجا ساکن می‌شوند.

جغرافیای محیطی، شناخت پایه‌ای از محیط یا سرزمینی است که بستر یا میدان عمل کلیه فعالیت‌های انسانی و پدیده‌های موجود در طبیعت بوده و این پدیده‌ها از قانون یکسانی تبعیت نمی‌کنند (رمضانی، ۱۳۷۷: ۲۴).

روانشناختی محیطی نیز، رشته‌ای است که به‌صورت تخصصی به مطالعه و واکاوی تأثیرات اقلیمی و جغرافیایی بر ساختار روحی، روانی و رفتاری انسان‌ها می‌پردازد. مفاهیم مربوط به محیط زندگی، معماری، آب و هوا، گیاهان، حیوانات و تأثیرشان بر رفتار انسان از جمله مباحثی است که محققان این رشته نوظهور آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

بصره اولین پادگان نظامی که در نزدیکی ایران و به دستور خلیفه دوم بنا گردید (طبری، ۱۳۸۷: ۳/۵۹۱). بصره زمینی شوره‌زار بود و آب شیرین چندانی در آن وجود نداشت؛ مردم ساکن در آنجا برای تأمین آب شیرین به‌ناچار فرسنگ‌ها تا دجله طی مسیر می‌کردند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲/۷۱۰). این شهر در منطقه‌ای با آب و هوای متغیر و بسیار گرم و مرطوب بنا شده بود، ولی از نظر راه‌های ارتباطی موقعیت خوبی داشت؛ به شهرهای مهم عراق نزدیک بود و از نظر جغرافیایی در مسیر بازرگانی ایرانیان از یک‌سو و اعراب از سوی دیگر، قرار داشت.

شرایط اقلیمی نامساعد بصره، از تبدیل اردوگاه نظامی به شهری بزرگ جلوگیری می‌کرد، اما عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجب ماندگاری اهالی بصره در آنجا و تبدیل بصره به شهری بزرگ شد. ساکنان بصره که ابتدا فاتحان و جهادگران بودند با گذشت زمان و تحت تأثیر عوامل فردی، اجتماعی، سیاسی و محیطی بصره قرار گرفتند و از ایمان و اخلاص اولیه خود دور شدند. خلیفه دوم بصره را فقط به دلیل موقعیت استراتژیکی از جمله نزدیکی آن به ایران و خلیج فارس برای ادامه روند فتوحات تأسیس کرد و برای تشویق مردم برای اسکان در این منطقه دستور داد نهرهایی را از دجله به بصره بکشند. (طبری، ۱۳۸۷: ۷۴/۴) پست بودن بصره نیز باعث می‌شد که جزر و مدهای پیاپی شب و روز به این سرزمین سرازیر شود (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۲۶) و زمین‌های بصره را به باتلاق‌ها و مرداب‌هایی با خاکی بدبو و لجن‌زار تبدیل کند.

گردهمایی اقشار مختلف در بصره با هدف استفاده از مواهب طبیعی و انسانی و اهداف نظامی، گروه‌هایی با باورها و عقاید متفاوت را در آنجا پدید آورد. آنان که از مکه و حجاز بودند و در کار تجارت و خرید و فروش پیشینه داشتند، در بصره اقامت کردند و بدین ترتیب قریش و هواخواهان آنان در بصره ساکن شدند (شهیدی، ۱۳۷۸: ۵۱۶).

در دوره خلیفه دوم و سوم، توجهات خاصی به اهالی بصره شد و آنان را در ثروت غوطه‌ور ساخت. بصریان اکثراً گرایش عثمانی داشتند؛ زیرا مؤسس بصره «عتبه بن غزوان» برادر زن عثمان خلیفه سوم بود (طبری، ۱۳۷۸: ۸۲/۴) و از آنجاکه نظامیان با ساکن شدن در شهرهای مفتوحه خانواده خود را به همراه می‌بردند، تعداد زیادی از خویشان خلیفه سوم در همان آغاز تأسیس بصره در این منطقه ساکن شدند. بصریان در زمان شورش علیه عثمان نیز در حمایت از او سپاه بزرگی را تشکیل داده و به سوی مدینه شتافتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸/۳). (۱۷۰)

با آغاز خلافت امام علی (ع)، پیمان‌شکنان (ناکثین) که به خواسته‌های خود نرسیده بودند، نقشه براندازی حکومت و شورش علیه امام (ع) را کشیدند و بصره را به‌عنوان پایگاهی برای علنی کردن شورش انتخاب کردند. محیط اجتماعی و جغرافیایی این شهر، شرایط مساعدی برای مخالفان فراهم آورده بود تا این شهر به پایگاه مهمی برای ابراز مخالفت و صف‌آرایی در برابر حضرت علی (ع) تبدیل شود. امام علی (ع)، در خطابه خویش پس از نبرد جمل در تحلیل اخلاق و رفتار مردم بصره، افکار سفیهانه و رفتار نابخردانه مردم را متأثر از عواملی از جمله محیط طبیعی بصره دانستند و خبر دادند که

سرزمین بصره را آب غرق خواهد کرد و عذاب خدا آنجا را از بالا و پایین احاطه می‌کند (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۳).

مطالعه حاضر که اساس آن بر طبق بیانات امام علی(ع) و شروح نهج البلاغه و گزارش‌های تاریخی و منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، نخست سیر تاریخی شهر بصره تا زمان جنگ جمل را بررسی کرده و سپس دلایل انحراف و پیمان‌شکنی بصریان را با توجه به سخنان امام علی(ع) بیان نموده است.

ادعای این نوشتار آن است که علاوه بر عوامل متعددی که سبب رویگردانی غالب مردم بصره از حضرت علی(ع) شد، محیط جغرافیایی بصره نیز در انحراف بصریان نقش داشته است و حادثه جنگ جمل تا حدودی متأثر از قرار گرفتن بصره در منطقه خاص جغرافیایی بوده است.

هرچند این پژوهش از پیشینه عمومی در تک‌نگاری‌های خاص در این باره به صورت ضمنی برخوردار است، اما مسئله اصلی هیچ‌یک از دانشوران، واریسی دقیق از سخنان امام علی(ع) در مورد تأثیر محیط جغرافیایی بر انحراف بصریان در جنگ جمل نبوده است. موارد زیر چند نمونه از پژوهش‌هایی است که به‌طور کلی به تأثیر محیط جغرافیایی بر رفتار و اخلاق انسان‌ها پرداخته است:

«تأثیر محیط‌زیست سالم بر انسان از منظر آموزه‌های اسلامی» عنوان مقاله‌ای است که در آن با تکیه بر احادیث و روایات اسلامی به اثبات تأثیر محیط طبیعی از جمله آب و هوا، گل‌ها، باد، کوهستان، دریا و... بر جسم و روان و افکار انسان پرداخته است.

نقره‌کار، حمزه نژاد، دهقانی تفتی (۱۳۸۹) در مطالعه خود به نام «بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع» به تشریح اندیشه اسلامی برگرفته از نصوص دینی پرداخته و به موازات آن، نظر متفکران اسلامی در شاخه‌های مهم تفکر اسلامی، نظیر ابن‌سینا و فارابی در فلسفه مشاء، سهروردی در فلسفه اشراق، ابن عربی در حوزه عرفان و ابن‌خلدون در مبحث جامعه‌شناسی و علم تاریخ را در جهت اکتشاف، تحلیل و توسعه متون دینی به کار گرفته‌اند و جایگاه این نظریات را در میزان تأثیرگذاری اقلیم بر رفتار انسان نسبت به چهار مکتب روانشناسی رفتاری مقایسه کرده‌اند.

شهاد (۱۳۳۸) در مقاله‌ای به نام «محیط و محیط جغرافیایی» معتقد است محیط‌زیست به‌عنوان فضای زندگانی در برگیرنده انسان بوده و با او در ارتباط و کنش و واکنش است.

محیط قادر است در زمان معینی به طور مستقیم یا غیرمستقیم اثری فوری یا تدریجی روی فعالیت انسان و دیگر موجودات داشته باشد.

خاکرند (بی تا) در «نظریه جغرافیایی فلسفه تاریخ» به بیان نظریات دانشمندان در مورد تأثیر اقلیم بر افکار و رفتار انسان‌ها پرداخته و تأثیرات محیطی را در افکار انسان دارای نقشی اساسی دانسته است. او معتقد است که بنای شهرها بر اثر محیط جغرافیایی آن شکل می‌گیرد و آب و هوا تأثیر فراوانی در رفتار و افکار انسان دارد.

مقاله حاضر می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه به ویژه بیانات امام علی (ع) پس از نبرد جمل، تأثیر عوامل جغرافیایی را در رفتار و اخلاق مردم بصره و انحراف آن‌ها از امام علی (ع) را در سنجه تحلیل قرار دهد. قبل از ادامه بحث، اشاره و تأکید بر چند نکته ضروری می‌نماید؛

الف) اثبات تأثیر محیط طبیعی و عوامل جغرافیایی بر اخلاق و رفتار مردم یک منطقه و از جمله بر مردم بصره به معنای سلب اراده مردم در برابر عوامل محیطی و جبر جغرافیایی نیست؛ چراکه این موارد فقط به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر اخلاق و رفتار مردم، آن‌هم به صورت عامل زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده عمل می‌کنند و هرگز مانع تام در برابر اراده آزاد انسان‌ها نیست. به همین دلیل قرآن کریم خطاب به انسان‌هایی که عوامل محیطی را بهانه‌ای برای عملکرد خویش در دوری از خدا و ظلم و ستم قرار می‌دهند، می‌فرماید: «... قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَأَسِعَتْ فِتْنَاهُمْ جُرُومًا...» (نساء: ۹۷)

ب) بیانات امام علی (ع) درباره تأثیر عوامل محیطی بر رفتار مردم بصره به معنای مذمت مردمان این شهر در همه دوره‌ها و همه زمان‌ها نیست؛ چراکه از امام علی (ع) در مدح مردم بصره نیز سخنانی بر جای مانده است. (رک: مجلسی، ۱۳۶۳: ۲۵۳/۳۲). علاوه بر این‌که در همان زمان هم تعداد معدودی از ساکنین بصره در مسیر حق پابرجا و بر عهد خود با امیرالمؤمنین (ع) استوار ماندند.

ج) جامع‌نگری و تشکیل خانواده حدیث یکی از مبانی و قواعد اساسی در مباحث فقه الحدیث است. از این جهت ضرورت دارد که در مواجهه با کلام معصومین (ع) به گردآوری سخنان آن بزرگواران درباره موضوع واحد، اقدام کرد. همچنین لازم است همه قرائن و شواهد متصل و منفصل را در کنار سیره عملی و رفتاری آنان در نظر گرفت و آنگاه کلام آنان را فهمید. این موضوع در مواردی که امکان کژفهمی و سوء برداشت از سخنان معصومین (ع) وجود دارد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. قاعدتاً این موضوع در مورد

کلام حضرت علی (ع) درباره تأثیر محیط جغرافیایی بر رفتار و اخلاق مردم بصره نیز مصداق دارد و باید مورد توجه شارحان کلام امام (ع) قرار بگیرد.

۲. بصره از زمان تأسیس تا حکومت امام علی (ع)

بصره از نزدیک‌ترین پادگان‌های سپاه اسلام به ایران محسوب می‌شد، از این‌رو، برای حاکمان مسلمین اهمیت زیادی داشت. برای نگه‌داشتن اعراب در بصره و گسترش این شهر، خلیفه دوم فرمان داد تا برای زادگان اهل بصره عطایی مقرر نمایند و به ابوموسی اشعری دستور داد تا نه‌ری در بصره حفر کند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۴۸). کشیدن نهر نعمتی برای مردم بصره بود که آن‌ها را برای ماندن در شهر تشویق می‌کرد. خلیفه دوم به افرادی که می‌خواستند به کوفه روند، ۵۰۰ درهم و به افرادی که می‌خواستند به بصره روند ۷۰۰ درهم پرداخت می‌کرد، وقتی دلیل این تفاوت را پرسیدند خلیفه شرایط بد آب‌وهوایی بصره و عدم دسترسی به آب و چراگاه را علت آن ذکر کرد. (صفری فروشانی، ۱۳۹۱: ۸۶). در پی این تفاوت‌ها عده‌ای تنها باهدف کسب مزایای بیشتر و استفاده از مواهب جغرافیایی و بازرگانی وارد بصره شدند.

از یک‌سو، به علت نزدیکی منطقه بصره به ایران، غنائمی از خزانه‌ها، قصرها و باغ‌های متروک ایران به دست فاتحان افتاد که در نظر آن‌ها رؤیایی غیر انتظار بود و سهم غنیمت که به هر جنگجوی عرب رسید ثروتی واقعی محسوب می‌شد (ر.ک، طبری، ۱۳۸۷: ۳/۵۹۶) و از سوی دیگر تجارت و بازرگانی سود سرشاری را نصیب ساکنان بصره می‌کرد و کالاهایی که از طریق دریا به این منطقه وارد می‌شد بسیار گران‌بها و باارزش بود.

فرستاده عتبه با خبر فتح بصره به مدینه رفت، مردم از او درباره منطقه جویا شدند، او گفت: «مسلمین در بصره طلا و نقره جاروب می‌کنند» مردم با شنیدن چنین اخباری برای رفتن به بصره رغبت نشان دادند و به شمار مهاجران افزوده شد (نزار منصور، ۱۳۸۳: ۲۸).

علاوه بر افرادی که به انگیزه دستیابی به ارزش جهاد یا رسیدن به زمین، دارایی و غنیمت، راهی بصره می‌شدند، جغرافیای بصره باعث جذب افرادی شد که برای تجارت و کسب معاش به بصره روی آوردند. اولین خانه و رباط در بصره توسط نافع بن حارث که برای بازرگانی و تجارت به بصره آمده بود بنا شد (دینوری، ۱۳۶۷: ۱۱۷).

با تأمین امکانات، جریان کشورگشایی و دوری این سرزمین از مرکز حکومتی و نظارت کمتر بر آموزش مسائل دینی، بسیاری از بصریان در سایه مقام یا ثروت به فساد گراییدند و

بعد از به دست آوردن غنائم و قرار گرفتن در کنار محیطی متفاوت، روحیه اولیه آنان که جهاد در راه خدا بود از میان رفت.

در مورد زبیر یکی از صحابیان پیامبر (ص) و سردستان شورش جمل باید گفت که او در زمان پیامبر (ص) در جنگ‌ها و غزوه‌ها در سپاه اسلام حضور داشت و از بیعت با ابوبکر خودداری و در خانه امام علی (ع) تحصن کرد. در شورای شش نفره جزو شورا بود و به نفع امام علی (ع) استعفا داد. گفته شده است که امام در نامه‌ای خطاب به وی، او را «فارس قریش» خواند (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲/ ۴۶۵)؛ اما زبیر بعد از کند شدن روند فتوحات، جهاد را رها کرده و به دنیاطلبی روی آورد و به شغل تجارت مشغول شد تا جایی که در مورد او می‌گفتند «کان الزبیر تاجراً مجدوداً فی التجارة» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۲/ ۵۱۴). اگرچه در تاریخ از تجارت زبیر در بصره سخنی به میان نیامده است ولی ابن جوزی سخن از دو قصر از ماترک زبیر در بصره می‌آورد که شاهدهی بر تجارت وی در این شهر است (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۵/ ۱۰۹). در ماجرای اعتراض زبیر بعد از بیعت با امام علی (ع) هم آمده است که طلحه و زبیر خواهان حکومت بر بصره و کوفه بوده‌اند و در آنجا دست‌پروردگانی داشته‌اند (ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۱/ ۷۱-۷۵). در نتیجه می‌توان برداشت کرد که زبیر با شهر بصره رابطه داشته و می‌توان گفت که در بصره به تجارت می‌پرداخته است.

خلیفه سوم چون بر تخت خلافت نشست و زمام امور را به دست گرفت، والیان منصوب از سوی خلیفه دوم را تغییر داد و نزدیکان خود را به جای آن‌ها منصوب کرد. عثمان پسردایی خود عبدالله بن عامر را که جوانی ۲۵ ساله بود بر ولایت بصره گمارد (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۲۶۶) با این اقدام وی، بصریان که از خویشان او بودند در اولویت قرار گرفتند و بر ثروت و قدرتش افزوده شد. به دلیل همین وضعیت است که بخش زیادی از توصیه‌های حضرت علی (ع) در مذمت دنیا و تعلق نداشتن به آن بیان شده است که البته ناظر به دنیایی است که هدف اصلی انسان قرار بگیرد و او را از آخرت باز بدارد.

۳. بصره پایگاهی برای مخالفان امام علی (ع)

با بیعت همگانی و آغاز خلافت امام علی (ع)، آن حضرت اولین اقدام خود را تقسیم اموال عمومی به صورت عادلانه مطرح کرد و در اولین خطبه خود این نکته را به مردم یادآور شد:

«وَاللّٰهُ لَوِ وَّجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهٖ النَّسَاءُ وَ مُلِكَ بِهٖ الْاِمَاءُ لَرَدَدْتُهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۵). به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هرکجا که بیابم به صاحبان اصلی آن برمی‌گردانم گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند (دشتی، ۱۳۹۵: ۳۹).

این سخن بر عده زیادی گران آمد و درصدد برآمدند که راهی بیابند تا قدرت و ثروت‌های خود را حفظ نمایند. در رأس این افراد طلحه و زبیر قرار داشتند که خواهان حکومت کوفه و بصره بودند. حضرت علی (ع) نظر ابن عباس را در مورد آنان پرسید. ابن عباس گفت: آنان خواهان خلافت هستند. بصره را به زبیر و کوفه را به طلحه بده. امام تبسمی کرد و فرمود: «وای بر تو! کوفه و بصره شهرهای ثروتمندی هستند، اگر آن دو به زمامداری آن دو شهر برسند افراد سفیه و نادان را به سوی خود جلب می‌کنند و اشخاص ضعیف و ناتوان را به سختی و مشقت می‌اندازند» (ابن قتیبه، ۱۳۸۰: ۱ / ۷۱).

طلحه و زبیر بعد از بیعت‌شکنی، عایشه را با خود همراه نموده، راهی بصره شدند. بصره بهترین شهر برای علنی کردن شورش بود زیرا: ۱- طلحه و زبیر در بصره طرفداران زیادی داشتند ۲- عبدالله بن عامر والی و پسر دایی عثمان در بصره دست‌پروردگانی داشت و به مناطق و قبائل مهم بصره اشراف کامل داشت و می‌توانست مردم را با مخالفان همراه سازد ۳- بصره از جمعیت و ثروت لازم جهت تأمین منابع و هزینه‌های جنگی برخوردار بود ۴- این شهر از نظر مسافت با مرکز خلافت فاصله زیادی داشت و زمان زیادی می‌برد تا سپاه امام (ع) به آنجا برسد و در این مدت، ناکتین به خوبی می‌توانستند به تبلیغات علیه امام (ع) بپردازند. ۵- بصریان شناخت چندانی از امام علی (ع) نداشتند و در مقابل طلحه و زبیر و عایشه نزد بصریان شناخته شده بودند ۶- عامه مردم بصره از اخبار مدینه اطلاع چندانی نداشتند و بیشتر درگیر مسائل دنیوی بودند ۷- به علت دوری بصره از مرکز حکومت و شرایط جغرافیایی آن، عالمان و صحابیانی که در پی کسب علم و دانش بودند، توجه کمتری به بصره داشتند و آنجا را محل مناسبی برای پیشرفت علمی خود نمی‌دانستند لذا ناکتین با آگاهان و دانشمندان کمتری روبرو بودند.

از دیگر دلایل انتخاب بصره که مورد طمع پیمان‌شکنان قرار گرفت، وجود اموال فراوان در این شهر بود. از این‌رو، هنگام ورود ناکتین به بصره، جوانی از اهالی شهر از طلحه و زبیر پرسید که هدف شما از آمدن به اینجا چیست؟ و جواب شنید: «به ما خبر رسیده که اموال فراوانی در این شهر است؛ آمده‌ایم تا از آن‌ها بهره‌گیریم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۹ / ۳۱۶-۳۱۸). پس از حمله به بصره، چون چشم زبیر به اموال بیت‌المال افتاد گفت: «وَعَدَكُمُ

اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ» (فتح: ۲۰) خداوند غنائم فراوانی به شما وعده داده که آن‌ها را به چنگ می‌آورید ولی این یکی را زودتر برای شما فراهم ساخت و افزود: ما بیش از مردم بصره در این اموال حق داریم! (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۲۲/۹).

در آن زمان بصره یکی از شهرهای ثروتمند حکومتی تلقی می‌شد تا جایی که به آن لقب «خزانة العرب» داده بودند. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۲/۲) و این به دلیل محیط جغرافیایی بصره و بندری بودن آن و اسکان گروه‌های خاص در بصره بود که این شهر را از دیگر شهرهای عراق متمایز و ثروتمند می‌ساخت.

بعد از پیروزی حزب علوی، امام علی (ع) در خطبه‌ای مردم بصره را نکوهش کرده و فرمود:

كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرَاةِ وَ اتَّبَعْتُمُ الْبُهَيْمَةَ رَغَا فَاجَبْتُمْ وَ عَقَرْتُمْ فَهَرَبْتُمْ اَخْلَافُكُمْ دِقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ وَ مَاؤُكُمْ زُعَاقٌ وَ الْمُقِيمُ بَيْنَ اَظْهَرِكُمْ مُرْتَهَنٌ بِذَنْبِهِ وَ الشَّخِصُ عَنْكُمْ مُتَدَارِكٌ بِرَحْمَةٍ مِنْ رَبِّهِ ... بِلَادِ اللَّهِ تُرْبَةٌ اَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَ اَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ وَ بِهَا تَسْعَةُ اَغْشَارِ الشَّرِّ الْمُحْتَبَسُ فِيهَا بِذَنْبِهِ وَ الْخَارِجُ بِعَفْوِ اللَّهِ (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۳)

شما سپاه یک زن و پیروان حیوان (شتر عایشه) بودید تا شتر صدا می‌کرد می‌جنگیدید و تا دست و پای آن قطع گردید فرار کردید. اخلاق شما پست و پیمان شما از هم گسسته، دین شما دورویی و آب آشامیدنی شما شور و ناگوار است. کسی که میان شما زندگی کند به کيفر گناهش گرفتار می‌شود و آن‌کس که از شما دوری گزیند مشمول آمرزش پروردگار می‌گردد. نهم شر و فساد در سرزمین شما اتفاق می‌افتد و کسی که در شهر شما باشد آلوده به گناه و هرکس خارج گردد مشمول آمرزش پروردگار می‌گردد (دشتی، ۱۳۹۵: ۳۷).

امام در این خطبه اخلاق خرد و پست، پیمان‌شکنی و دورویی بصریان را ناشی از محیط آب و هوایی و هم‌نشینی با افراد کج‌رو می‌داند و عامل انحراف آنان را دنیاپرستی، آلودگی‌ها و هوسرانی‌های بصریان دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۰۹). ایشان (ع) همچنین به علم اکولوژی (Ecology)^۱ اشاره کرده است. آن حضرت (ع) مردم بصره را به خاطر پیروی از ناکثین سرزنش کرده و آنان را پیروان شتر عایشه می‌نامد. بصره را سرزمینی معرفی می‌کند که بیشترین انحراف و فساد در آن رخ می‌دهد، عقل‌های مردمش سست و افکارشان سفیهانه است. سرزمینی که آمادگی هرگونه فتنه و فساد در آن وجود دارد. امام (ع) در این خطبه تأثیر محیط طبیعی را در وضع روانی مردم نشان می‌دهد و تفسیر طبیعی

موجودیت انسانی را به‌طور رسمی از معارف ضروری قلمداد می‌کند (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۶۹).

۴. تأثیر جغرافیای محیطی بر مردم بصره در بیانات امام علی (ع)

بی‌شک در عملکرد رفتارهای افراد، اراده‌ای که خداوند به انسان داده است نقش اساسی دارد و هیچ امری نمی‌تواند این اراده را به‌کلی مسلوب نماید، اما در پیرامون اراده عواملی همچون وراثت، تربیت، محیط فردی، خانوادگی و اجتماعی، محیط جغرافیایی و غیره وجود دارند که زمینه مناسب و مساعدی را برای تغییر اخلاق و دگرگونی رفتار فراهم می‌کنند. در این میان عوامل جغرافیایی بخشی از علل مساعد کننده شکل‌گیری و یا تغییر اخلاق و رفتار مردم به حساب می‌آید. مطالعه اخلاق و رفتار انسان‌ها در مناطق گوناگون زمین، تأثیر این عوامل را بر اندیشه، اخلاق و رفتار انسان تأکید می‌کند. هر موقعیت جغرافیایی، رفتار خاص خود را پیشنهاد و ترویج می‌دهد که گاهی به سود و در مواردی به ضرر انسان است. خطبه امام علی (ع) بعد از جنگ جمل مشتمل بر نکات مهم انسان‌شناسی (Anthropology) و رفتارشناسی (Behavioral-praxeology) است که حداقل بخشی از آن به تأثیر عوامل زیستی و جغرافیای محیطی بر مردمان شهر بصره پرداخته است. در ادامه بررسی جغرافیای محیطی در محدوده آب، خاک، هوا، راه، گرمی و سردی، فضای شهری، دوری و نزدیکی به مرکز و شهرهای دیگر تشریح خواهد شد.

۱.۴ تأثیر آب بر اخلاق و افکار انسان

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه اشاره به آب‌شور و زمین بدبوی بصره می‌کند و بیان می‌دارد که مردم این شهر تحت تأثیر محیط آن، دارای چنین اخلاقی شده‌اند. عقل‌های سست و افکار سفیهانه آن‌ها باعث شده که مورد طمع ناکتین قرار بگیرند. مردم بصره پیش از این، بدون هیچ مشکلی کارگزار امام (ع) را پذیرفته بودند و همگی در بیعت امیرالمؤمنین علی (ع) بودند؛ پس چه شد که به یکباره تغییر روش داده و به جمع بیعت شکنان پیوستند؟

دانشمندان اسلامی اختلاف اخلاق را در نتیجه اختلاف در آب و هوا و زمین، عوامل جغرافیایی و اوضاع اقلیمی آن مؤثر می‌دانند. از نظر ابن‌سینا کسانی که در مناطق ساحلی و نزدیک آب زندگی می‌کنند، قابلیت تطابق و تغییر بیشتری دارند، طبع آنان نزدیک به

رطوبت بوده، دارای درکی سریع می‌باشند؛ ولی زود فراموش می‌کنند. (نقره‌کار، حمزه‌نژاد، دهقانی، ۱۳۸۹: ۸۴). بصره تنها آبراهه مهم کشور عراق بود. بیعت بصریان با امام علی (ع) و بیعت شکنی آنان بعد از دیدار با ناکثین و بیعت مجدد با حضرت علی (ع) بعد از شنیدن سخنان آن حضرت (ع) را می‌تواند به سخن ابن‌سینا در این زمینه تعمیم داد.

اگر بخواهیم علاوه بر عوامل تأثیرگذار دیگر که در این تغییر موضع مؤثر بوده است، این رویه را از بُعد محیطی بیان کنیم باید گفت که بیشتر منطقه بصره را آب‌های شور و نامناسب در برگرفته بود. تنها توانگران آب شیرین و پاکیزه را به وسیله حیوانات و کشتی‌ها به بصره می‌آوردند و بی‌نویان از همین آب‌های ناسالم می‌نوشیدند. آب دجله نیز آب مناسب و گوارایی نبوده و دوز آب‌های زیادی به آن می‌ریخته است. آب شربی هم که وارد بصره می‌شده از آب هورها و ریشه نی‌ها سرازیر بصره می‌شده است. در نتیجه، آب بصره یکی از نقاط ضعف این شهر نسبت به مناطق دیگر بوده است. این‌چنین آبی علاوه بر مضرات جسمانی موجب تنفر زندگی در بصره می‌شده است.

مردم بصره و کوفه درباره آب منطقه خود و منافع و ضررهای آن مناظره‌ها داشتند، از جمله، در عیب‌جویی از اهل بصره گفته‌اند: «آب شما تیره و بد بوست» مردم کوفه به آب خودشان که فرات بوده است بر آب دجله که آب بصره بوده تفاخر می‌کرده و می‌گفته‌اند: آب ما از همه آب‌ها خوشگوارتر و مغذی‌تر است و برای تن از آب دجله سودمندتر است، ... (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲/۳۳۶-۳۳۷). چنین آبی که علاوه بر تلخی و شوری به خاطر مجاورت ساحل دریا آلودگی‌های زیادی نیز دارد برای سلامتی جسمانی زیانبار و با توجه به رابطه روح و جسم در روح و فکر انسان نیز مؤثر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۰۹).

نواب لاهیجی در شرح جمله امام «تُرْبَةُ أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَأَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ» می‌گوید: ظاهر و باطن بصریان نزدیک به آب شور و تلخ دریا و دور است از آب شیرین آسمان که باران رحمت باشد و چنانچه در ظاهر خلقت در کنار دریای شور و تلخ بوده‌اند که به سبب بخار دریا مزاج آن‌ها از حد اعتدال بیرون و در جمیع قوا و حواس ناقص شدند در باطن نیز باعث خروج از اعتدال دین و ایمان، از فطرت اصلی بصریان شده است (نواب لاهیجی، بی تا: ذیل خطبه ۱۳).

حضرت علی (ع) در مقامی دیگر و در تشبیهی زیبا عمل و رفتار انسان را به گیاهی همانند کرده است که بی‌نیاز از آب نیست و آب‌ها گونه‌گونه‌اند. هر آنچه آبیاریش نیکو،

درختش نیکو و میوه‌اش شیرین است و هر آنچه آبیاریش بد، درختش بد و میوه‌اش تلخ است:

«إِعْلَمَنَّ أَنَّ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتًا وَكُلُّ نَبَاتٍ لَا غِنَىٰ بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَ الْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ، فَمَا طَابَ سَقِيُّهُ طَابَ غَرْسُهُ وَ حَلَّتْ (أَحْلَوْلَتْ) ثَمَرَتُهُ وَ مَا خَبَثَ سَقِيُّهُ خَبَثَ غَرْسُهُ وَ أَمَرَتْ ثَمَرَتُهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۵۴).

به تعبیر دیگر ارزش میوه‌های درختان در واقع از سه چیز نشأت می‌گیرد: بذر خوب و زمین خوب و آب خوب. به‌یقین بذر انسان‌ها با توجه به فطرت پاک خداداد خوب است. هرگاه وراثت محیط که به‌منزله زمین است و تعلیم و تربیت که به‌منزله آب است پاک و پاکیزه باشد، آثار وجودی انسان‌ها ارزشمند و پاک و پاکیزه خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۰۵/۶)

فردی به حضرت علی (ع) می‌گوید که حمام جای بدی است زیرا در آن خواری فراوان و حیاء اندک است. آن حضرت در پاسخ می‌فرماید:

حمام چه جای خوبی است! زیرا چرک و پلیدی و خستگی را از بین می‌برد و آتش دوزخ را به یاد می‌آورد. (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱/۳۶۷).

در این فرمایش حضرت (ع) نقش آب و تأثیر آن بر جسم و روح انسان به‌خوبی نشان داده شده است.

حضرت علی (ع) از نجس کردن آب روان و همچنین از ادرار کردن در آب روان نهی فرموده‌اند: (مجلسی، ۱۳۶۷: ۱۰/۹۹) دلیل این نهی، علاوه بر مسائل معنوی و پزشکی می‌تواند ناظر به تأثیرگذاری چنین آبی بر اخلاق و رفتار مردمان باشد. بدین ترتیب تأثیر عوامل طبیعی و محیطی بر آدمی قابل انکار نیست.

هرچند برخی از شارحان نهج‌البلاغه ظاهر عبارت امام علی (ع) را تأویل نموده و شوری آب بصره را کنایه از اخلاق ناپسند آن‌ها تلقی نموده‌اند؛ ولی با توجه به تحقیقات به عمل آمده در خصوص تأثیرگذاری عوامل محیطی و ازجمله تأثیر آب در رفتار و اخلاق انسان‌ها، می‌توان ظاهر عبارت حضرت (ع) را نیز پذیرفت و اذعان نمود که بدی آب بصره به‌عنوان بخشی از عوامل تأثیرگذار در رفتار بصریان و تقابل آنان با امام علی (ع) بوده است؛ ولی مسلم است که تأثیر این‌ها در حدّ فراهم آوردن زمینه‌هاست و هرگز علت تامه نیست.

۲.۴ تأثیر مکان و خاک بر اخلاق و افکار انسان

امام علی(ع) در انتقاد از عملکرد مردمان بصره و رویارویی آنان با حضرت، به بدی خاک شهر بصره نیز اشاره فرموده‌اند: «بِلَادِكُمْ أَتَنُّ بِلَادِ اللَّهِ تُرْبَةً» خاک بصره به دلیل رسوب فراوان آب و گندیده شدن آن، مناسب و مطلوب نبود و به همین جهت حضرت علی(ع) آن را گندیده‌ترین خاک معرفی کرده است. زمین‌های بصره به علت هم‌جواری با دریا و ریختن فاضلاب‌ها به آن و ماندن آب‌های راکد از آلودگی بسیار بالایی برخوردار بوده و باعث ایجاد باتلاق‌هایی بدبو می‌شده است.
قرآن کریم می‌فرماید:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» (اعراف: ۵۸) زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید و آن زمینی که ناپاک است گیاهش جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید. ابن ابی الحدید سرزمین بصره را مصداق بخش دوم این آیه می‌داند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۷۸/۹).

پاک و طیب بودن خاک و یا پلید و ناپاک بودن آن یکی از عواملی است که می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر روح و روان آدمی بگذارد. از باب نمونه در روایات متعددی، تربت امام حسین(ع) و خاک حرم آن حضرت(ع) در کربلا دارای آثار روحی - معنوی و حتی شفای جسمانی دانسته شده است به نحوی که خوردن تربت امام حسین هم جایز شمرده شده و برای تناول آن آثاری ذکر شده است. امام صادق(ع) می‌فرماید:

خداوند متعال تربت جدم حسین(ع) را شفای هر درد و ایمنی از هر خوفی قرار داده است؛ پس هرگاه یکی از شما خواست از آن خاک تناول کند، ببوسد و آن را به چشم گذارد و بر سایر اعضای بدنش تماس دهد (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۴/۱۰۳۳).

یکی دیگر از آثار خاک مزار امام حسین(ع) این است که سجده بر آن تربت پاک، حجاب‌های ظلمانی را کنار می‌زند و در توجه خدای متعال به نمازگزار مؤثر است. امام صادق(ع) در این خصوص می‌فرماید: «همانا سجده بر تربت حسین(ع) حجاب‌های هفت‌گانه را پاره می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴/۵۸۸).

یکی از شیعیان به حضرت قائم(عج) در زمان غیبت صغری توسط نایب خاص حضرت می‌نویسد: آیا جایز است تربت امام حسین(ع) را با میت در قبر بگذاریم، یا با تربت امام حسین روی کفن بنویسیم؟ حضرت در پاسخ مرقوم می‌فرمایند: هر دو کار

پسندیده است. البته باید رعایت احترام تربت بشود. مهر یا تربت، مقابل یا زیر صورت میت باشد؛ بلکه به برکت خاک قبر امام حسین (ع) قبر میت محل امنی از هر بلا و آفت و عذابی گردد (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۴/ ۱۰۳۳).

سیره حضرت علی (ع) نیز نشان می‌دهد که ایشان با خاک‌نشینی ارتباطی وثیق داشته‌اند که می‌تواند حاکی از عدم تعلق به دنیا و تواضع ویژه ایشان باشد. «أبو تراب» از لقب‌های امام علی (ع) بود که از سوی پیامبر اکرم (ص) به ایشان اطلاق شده است. این لقب برای آن حضرت از محبوب‌ترین لقب‌ها به شمار می‌رفت؛ هر چند بنی‌امیه آن را برای تحقیر امام علی (ع) به کار می‌بردند.

از سوی دیگر متون روایی تأکید می‌کنند که بعضی از خاک‌ها نامناسب و ناشایست‌اند. به‌عنوان مثال خاکروبه یعنی خاکی که در اثر روبیدن با جارو جمع می‌شود، خاکی نامناسب محسوب شده و از انباشت آن پشت در خانه پرهیز داده شده است؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید:

خاکروبه را پشت در (خانه) جمع نکنید، زیرا که جایگاه شیطان می‌شود (حر عاملی، ۱۳۶۷: ۳/ ۵۷۲).

۱.۲.۴ نامناسب بودن مکان جغرافیایی بصره

امام علی (ع) وضعیت مکانی بصره را چنین توصیف کرده است: «أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَأَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ». درست است که تمام دریا‌های جهان در یک سطح قرار دارند و طبعاً همه بنادر از نظر فاصله با آب و خورشید یکسانند، ولی بعید نیست که این تعبیر امام (ع) اشاره به شهرهای بلاد اسلام باشد که بصره نسبت به سایر آن‌ها در موقعیتی پست‌تر قرار دارد و می‌دانیم شهرهایی که به سطح دریا نزدیک‌ترند نور کمتری از آفتاب را دریافت می‌دارند چراکه هوای مجاور آن‌ها فشرده و غلیظ است و هر جا نور کمتری از آفتاب دریافت دارد، آلودگی‌های بیشتری دارد چراکه نور آفتاب اثر عمیقی در از میان بردن میکروب‌ها دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۱/ ۵۱۴).

در بنای شهر بصره امور طبیعی و وضع آب شهر و دیگر نیازمندی‌های عمومی مورد غفلت قرار گرفت. باینکه این منطقه بارها ویران شده بود بازهم بصره در کنار خرابه‌های بجا مانده از ساسانیان بنا شد. به همین علت شهر بصره بعد از گذشت زمانی روبه ویرانی نهاد. حضرت علی (ع) در خطبه‌ای که در نکوهش اهل بصره ایراد کرد فرمود:

«یا اهل المؤمنة! تاکنون سه بار ویرانی واقع شد و بر خداست که بار چهارم این بلا را نازل کند» (ابن ابی الحدید، ۱۳۵۵: ۱/ ۲۶۱)

سه بار ویرانی بر منطقه بصره اتفاق افتاده بود اصلاً نام الخریبه که قدیمی‌ترین منطقه بصره بود به این دلیل بود که؛ وقتی مسلمانان به بصره رسیدند به سبب ویرانه بودن ساختمان‌هایی که در آن منطقه بود آنجا را خریبه نامیدند و این به دلیل قرار گرفتن بصره در مکانی نامناسب بوده است.

در بعضی از کتاب‌های تاریخی چون معجم البلدان، مروج الذهب، تاریخ ابن خلدون نیز خطاب علی (ع) را به اهل سبخه نسبت داده‌اند:

«یا أهل البصرة یا أهل السبخة یا أهل المؤمنة ائتفکت بأهلها ثلاثا و علی الله الرابعة!» (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵/ ۲۱۹؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۲/ ۳۳۸).

سبخه زمینی شوره‌زار و لجن‌زار که در جنوب شرقی شهر بصره و نزدیک‌ترین منطقه به ایران و خلیج فارس بوده است (ر.ک؛ نقشه شماره ۲). قبیله ازد در بصره با سرزمین السبخه هم‌جوار بودند. با توجه به منابع تاریخی قبیله ازد همگی در مخالفت با حضرت علی (ع) به لشکر ناکثین پیوستند و در حمایت از شتر عایشه کشته‌های زیادی دادند (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۵۲۹). حماقت طایفه ازد از ناکثین بجایی رسید که در جنگ جمل ازدیان حتی سرگین شتر عایشه را می‌بوئیدند و می‌گفتند: «سرگین شتر مادرمان است که بوی مشک می‌دهد» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲/ ۴۸۱).

دوری از مدینه که در آن زمان مرکز حکومت بود نیز می‌تواند عامل مکانی در انحراف بصریان باشد. ابن خلدون می‌گوید: گروهی از تازیان به شهرها و کشورهای مرزهای مسلمانان چون بصره و کوفه و شام و مصر رهسپار شده و در آن شهرها اقامت گزیده بودند و بیشتر این گروه از مردم درشتخوی و خشن به شمار می‌رفتند که اندک زمانی به صحبت پیامبر (ص) نائل آمده بودند و به صفات نیک وی خو نگرفته بودند، گذشته از اینکه هنوز خویهای زمان جاهلیت مانند درشتخویی و عصبیت و تفاخر بر یکدیگر در آنان رسوخ داشت و از آرامش وجدان که در پرتو ایمان برای انسان حاصل می‌شود بی‌بهره بودند (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۱/ ۴۱۲). سرزمین بصره در بلاد اسلامی آن زمان دورترین شهر به مدینه بود و بندری بودن آن موجب جذب تجار شد و در مقابل از نظر دینی و علمی مورد توجه کمتری قرار گرفت و دانشمندان، بصره را محل مناسبی جهت پیشرفت علمی خود نمی‌دیدند.

قرار گرفتن بصره در نزدیکی ایران باعث شد که قبایلی چون تمیم بیشترین هم‌پیمانی با ایرانیان را داشته باشند. تیره‌های تمیم عموماً طرفدار عثمان بودند و گروهی از آنان به دلیل هم‌پیمانی با ایرانی‌ها و زطها و سیابجگان گرایش دوگانه پیدا کرده و در جنگ جمل بین گروه ناکتین و طرفداران امام علی (ع) در تردد بودند (ماسینیون، ۱۳۹۵: ۵۰) و بهترین کار را برای حفظ منافع خود بی‌طرفی از جنگ می‌دانستند تا در صورت پیروزی هر گروه منافع خود را به بهترین وجه حفظ نمایند (سبحانی، ۱۳۸۶: ۴۳۶). پس اگر مقصود از خاک بدبو در خطبه ۱۳ نهج‌البلاغه را خاک منطقه بصره بدانیم مکان قرارگیری بصره و عدم وجود خاک مطلوب نیز بر افکار و اخلاق مردم بصره بی‌تأثیر نبوده است.

حضرت علی (ع) بعد از سرکوب شورشیان هنگام ترک سرزمین بصره به مقصد کوفه با خدای خود چنین مناجات می‌کرد:

سپاس خدا را که مرا از ناپاک‌ترین شهرها، بدبوترین خاک‌ها، سریع‌ترین خرابه‌ها، نزدیک‌ترین شهر به آب و دورترین شهر از آسمان بیرون برد، شهری که محل فرورفتن آب است و نه‌دهم شرّ و فساد در این شهر نهفته است، هرکس از آن خارج شود به سمت رحمت حرکت می‌کند و هرکس به آن وارد شود به سمت گناه در حرکت است (مفید، ۱۴۱۳: ۴۲۲؛ سبحانی، ۱۳۸۶: ۴۶۴).

امام علی (ع) معتقد است کسی که در میان آن‌ها زندگی کند ناگزیر است به روش آن‌ها درآید و آداب و رسوم آن‌ها را بپذیرد و در نتیجه از اخلاق آن‌ها متأثر و به گناه گرفتار می‌شود (ابن میثم، ۱۳۶۲: ۱/۵۸۵). امام به بصریان سفارش کرد که از بصره بیرون شوید و در اطراف آن زندگی کنید و این سخن را دو بار تکرار کرد (تقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۲۲۷). این جمله دلیل روشنی است به تأثیر محیط بر اخلاق انسان‌ها که یا باید محیط آلوده را پاک کرد و یا از آن هجرت نمود؛ زیرا ماندن در میان گناهکاران احتمال آلوده شدن به گناه را دارد و اگر بر روی شخص هم تأثیری نداشته باشد هم‌نشینی با آنان خود گناه محسوب می‌شود.

امام علی (ع) اولین کسی بود که نامناسب بودن مکان جغرافیایی بصره را گوشزد کرد و این از علومی بود که امام علی (ع) به آن آگاه بود. قرن‌ها بعد ابن خلدون نیز در مورد بنای بصره چنین گفته است: تازیان هنگامی که کوفه و بصره و قیروان را بنیان نهادند در طرز بنای آن‌ها از همه چیز به‌جز چراگاه شترانشان غفلت کردند و تنها نزدیکی به دشت و راه‌های کوچ کردن را در نظر گرفتند. از این رو اماکن مزبور از لحاظ وضع طبیعی به هیچ رو مناسب شهر نبود (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ۲/۷۱۰).

در مورد این سخن امام(ع) که فرموده است، «بصره، دورترین نقطه زمین به آسمان است»، ابن ابی‌الحدید بر این باور است که بزرگان علم هیأت و ستاره‌شناسی، یادآور می‌شوند که دورترین نقطه زمین از آسمان «ابله» در بصره است و این با سخن امام، همخوانی دارد و معنای دوری از آسمان در اینجا، دوری آن سرزمین خاص از استوای آسمانی است و سرزمین‌ها و مناطق گوناگون، در این مورد با هم متفاوت هستند. رصدخانه‌ها و ابزار و آلات نجومی روشن ساخته که دورترین نقطه در زمین از دایره استوای آسمانی ابله، یکی از روستاهای بصره است.

البته بصره جدید برخلاف بصره قدیم در کنار دجله و در ۴ کیلومتری بصره قدیم بنا گردید و به یکی از مراکز اصلی شیعیان و محل تربیت دانشمندان بدل گشت و از مراکز مهم گسترش علوم دینی قرار گرفت (سلطانی، ۱۳۸۱: ۲۳).

۲.۲.۴ گذرگاهی بودن بصره

از عبارت مذمت آمیز امام علی(ع) که فرمود: «أَقْرَبُهَا مِنَ الْمَاءِ وَأَبْعَدُهَا مِنَ السَّمَاءِ» این نکته نیز قابل برداشت است که بر کرانه آب بودن شهر بصره در افکار و اخلاق مردم تأثیرگذار بوده است. در همه جای جهان، شهرهای ساحلی محل تردد و گذر افراد مختلف و ورود فرهنگ‌ها و ارزش‌های گوناگون به آن منطقه است. ساحلی بودن بصره باعث شد اقوام مختلفی از مسیر دریا و خشکی با اهداف متفاوت تجارتي و سیاحتی بدین شهر رفت‌وآمد کنند و تأثیر بسزایی بر فرهنگ و تمدن این شهر داشته باشند. به دلیل منشعب شدن راه‌های متعدد از بصره لقب «بس راه» را به آنجا داده بودند (نجدی، ۱۴۳۱: ۱۸) از این رو رفت و آمدهای زیادی به این منطقه صورت می‌گرفت.

بازار بزرگ بصره که به «مرید» معروف بود روزانه میزبان صدها نفر بود که از اقاصا نقاط منطقه برای صادرات و واردات کالاهای خود به آنجا مراجعه می‌کردند. مرید محل تجمع مردم برای تجارت یا اطلاع‌رسانی نیز بود. این بازار نقش اساسی در عملکرد بصریان داشت (نک؛ نقشه شماره ۲) چراکه اولین سخنرانی ناکثین در بازار مرید صورت گرفت و این نشان از رفت و آمدهای زیاد و اهمیت این مکان در شهر بصره دارد.

از سوی دیگر، چون بصره در مسیر راه تجاری ایران و شام قرار داشت، بیشتر مورد توجه تجار قرار گرفت. این شهر که دارای موقعیت جغرافیایی و بازرگانی ویژه‌ای بود به سرعت به یکی از مهم‌ترین و ثروتمندترین شهرهای حکومتی تبدیل شد. «اهل العالیه» که

صاحب‌منصبان بصره و مأمورین دولتی از قیس و قریش در این قبیله بودند (ماسینیون، ۱۳۹۵: ۵۰) بیشترین بازارهای بصره را در انحصار خود داشتند و تعداد زیادی از سپاه ناکثین را تشکیل می‌دادند.

در شهرهای گذرگاهی و عرصه‌های مواصلاتی، حجم فعالیت‌های اقتصادی و داد و ستد گسترش و احتمال غفلت از امور معنوی افزایش می‌یابد. تحقق این امر در میان مردمان بصره، از نظر امام علی (ع) پنهان نمانده بود، به نحوی که گاهی موجب واکنش آن حضرت (ع) و دادن تذکر می‌گشت؛ چنان‌که در تاریخ آمده است:

روزی علی (ع) در بازار بصره متوجه مردی شد که در حال خرید و فروش بود. حضرت قدری در کار او نگاه کردند و سخت گریست. سپس فرمود ای اهل دنیا، روز قسم می‌خورید و شب می‌خوابید و زمان می‌گذرد، درحالی‌که از آخرت غافلید. پس چه هنگام می‌خواهید برای آخرت فکری کنید؟ فردی عرض کرد: ای امیرالمؤمنین، ما چاره‌ای از تهیه معاش نداریم، پس چه کنیم؟ امام فرمود: معاش از راه حلال، انسان را از تلاش برای آخرت غافل نمی‌کند. پس اگر بگویید ما ناگزیر از احتکار هستیم، معذور نخواهید بود (مفید، ۱۴۱۴: ۱۱۹).

از این مطلب استفاده می‌شود که بعضی از تجار بصره به احتکار کالا دست می‌زدند تا سود بیشتری کسب کنند و از تجارت حلال فاصله گرفته بودند و همین رفتارهای غیردینی، آن‌ها را از ایمان اولیه دور ساخته بود.

بخشی از انحراف بصریان از جهت خاصیت بندری بودن شهر که مرکز رفت و آمد اشخاص مختلف و هجوم فرهنگ‌های بیگانه و آلودگی‌های اخلاقی که از خارج به آن تحمیل می‌شد، بوده است. لذا در تاریخ بسیاری از حوادث دردناک قرن‌های نخستین اسلام از منطقه بصره برخاست.

۳.۲.۴ دوری مکان بصره از مرکز خلافت و ناآگاهی مردم از مسائل دینی و سیاسی

حضرت علی (ع) در کلامی حکمت‌آمیز می‌فرماید:

کسی که بصیرت و بینایی ندارد فکر و اندیشه‌اش فاسد است (آمدی، ۱۴۲۰: ۴۸۱).
بصیرت، موضوعی است که امام علی (ع) بارها بر آن تأکید کرده است به گونه‌ای که هدایت واقعی را منوط به داشتن چشم بصیرت می‌داند:

«اگر چشم بصیر داشته باشید، حقیقت را نشانتان داده‌اند، اگر هدایت می‌طلبید شما را هدایت کردند، اگر گوش شنوا دارید، حق را به گوشتان خواندند» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: حکمت ۱۵۷).

امیرالمؤمنین (ع) همواره نسبت به غفلت زدگی هشدار داده‌اند. در سال ۳۶ هجری در شهر مدینه آن‌گاه که از امام خواستند طلحه و زبیر را تعقیب نکند، فرمود:

به خدا سوگند! (از بصیرت لازمی برخوردارم) و هرگز مثل گفتار نیستم که به خاطر بی‌اطلاعی و فقدان بصیرت نسبت به تحولات سیاسی کشور غافلگیر شوم که دشمنان ناگهان مرا محاصره کنند و با نیرنگ دستگیر نمایند. من همواره با یاری انسان حق‌طلب، بر سر آن‌کس می‌کوبم که از حق روی‌گردان است (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۶).

از مجموع توصیفات نکوهش‌آمیز حضرت علی (ع) که فرمودند: «كُنْتُمْ جُنْدَ الْمَرْأَةِ وَ اتِّبَاعَ الْبَهِيمَةِ، رَغَا فَاَجِبْتُمْ وَ عَفَرْتُمْ فَهَرَبْتُمْ. اخْلَاقُكُمْ دِقَاقٌ وَ عَهْدُكُمْ شِقَاقٌ وَ دِينُكُمْ نِفَاقٌ» می‌توان استنباط کرد که مردمان بصره از آگاهی و بصیرت چندانی برخوردار نبودند. بصره دورترین شهر از مرکز خلافت بود و مردم آنجا بیشتر درگیر مسائل مادی و دنیوی بودند و اطلاعی کمی از اخبار مدینه داشتند. همین امر موجب شد تا ناکثین با ورود خود به بصره و با چند سخنرانی در بازار بزرگ بصره و توجیه عملکرد خود بسیاری از مردم این شهر را تحت تأثیر قرار دهند و به اردوگاه خود بکشانند.

طلحه در بازار بصره سخن از قتل خلیفه (عثمان) و مظلومانه کشته شدن او گفت؛ ولی مردم لب به اعتراض گشودند و گفتند: نامه‌هایی که از تو درباره خلیفه رسیده مضمونی غیر از این را داشته و تو ما را بر ضد او دعوت می‌کردی! در این هنگام زبیر برخاست و گفت: از من که نامه‌ای به شما نرسیده است! و سپس گفت: ما از کاری که در حق خلیفه انجام داده‌ایم توبه کردیم و عثمان در حالی کشته شد که توبه کرده بود و ما برای جبران گناه خود به خونخواهی او قیام خواهیم کرد (طبری، ۱۳۸۷: ۴/ ۴۶۴). با این تمهید کار بر گروهی از مستضعفان فکری مشتبه شد و در دام فتنه گرفتار شدند.

همان‌طور که آب با داخل شدن در هر ظرفی شکل همان ظرف را به خود می‌گیرد مردم بصره نیز با شنیدن سخنان ناکثین و در اثر جهالت و بی‌خبری و بدون تأمل و تحلیل از وقایع اتفاق افتاده، بیعت خود با امام (ع) را شکستند و به سپاه ناکثین ملحق شدند. به این ترتیب، ناکثین توانستند گروه بسیاری از عوام مردم را بفریبند. معلوم می‌شود که عوام مردم

کمترین اطلاعاتی از اخبار مدینه نداشتند. همچنین از احکام دینی و قوانین فقهی نیز ناآگاه بودند که به راحتی در مقابل توجیهات طلحه و زبیر قانع شدند. مردم بصره از مسائلی چون: چگونگی کشته شدن عثمان، بیعت همگانی با امام، احکام فقهی خون‌خواهی شخص مقتول، حکم بیعت شکنی، فضائل و سوابق امام علی (ع) بی‌خبر بودند و به همین علت ابزاری در دست ناکثین قرار گرفتند.

امام علی (ع) به سپاهش در مورد عملکرد ناکثین چنین فرمود:

ای مردم! همانا طلحه و زبیر به بصره آمدند و حال اینکه مردم آن شهر در اطاعت فرمان خدا و بیعت با من هماهنگ بودند. ایشان را به سرپیچی از فرمان خداوند و مخالفت با من فراخواندند. هر کس که از ایشان اطاعت کرد فریش دادند و هر کس با ایشان مخالفت کرد او را کشتند (مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۰).

از نظر امام افکار سست و سفیهانه مردم بصره بهترین نشانه برای تیرانداز و لقمه برای خورنده و صیدی برای صیاد بود (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۳۹۵: خطبه ۱۴).

۳.۴ تأثیر هوا (گرما، رطوبت، باد و آفتاب) بر اخلاق و رفتار انسان

در آموزه‌های اسلامی به فواید و آثار هوا و گرمی و سردی آن اشاره شده و نیز در قرآن و روایات «بادها» با اهمیت دانسته شده‌اند، بدیهی است که باد چیزی جز هوا نیست و در واقع حرکت هوا، باد نامیده می‌شود. قرآن کریم یکی از سوره‌های خود را با سوگند به «ذاریات» شروع می‌کند «وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا» که در روایتی آمده است: ابن کواء از امیرالمؤمنین (ع) که روی منبر سخن می‌گفت، پرسید منظور از ذاریات ذروا چیست؟ حضرت فرمودند: منظور باد است (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۳/۲۹۳).

امام صادق (ع) می‌فرماید: سکونت کردن [درجایی] جز باوجود سه ویژگی، خوش نخواهد بود: هوای خوش و پاک، آب فراوان گوارا و زمین پر بار (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰: ۳۷۲).

حضرت علی (ع) نیز در حکمتی طبی به تأثیر هوا بر بدن اشاره می‌فرماید:

تَوَفَّوْا الْبُرْدَ فِي أَوَّلِهِ وَ تَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ، فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ، أَوَّلُهُ يُحْرِقُ وَ آخِرُهُ يُورِقُ (نهج البلاغه، ۱۳۹۵: حکمت ۱۲۸). امام (ع) راه سلامت بدن را در فصل خزان و بهار نشان داده و دلیل آن را نیز بیان فرموده است، می‌فرماید: سرمای پاییز و

بهار با بدن‌ها همان می‌کند که با درختان انجام می‌دهد، زیرا هر دو شباهت زیادی با هم دارند (دشتی، ۱۳۹۵: ۴۶۷).

هوا و گرم و سرد بودن آن علاوه بر خواص و فواید جسمانی بر رفتار و اخلاق انسان نیز اثرگذار است. به‌عنوان نمونه تحقیقات مختلف، موید سخت‌کوشی و روحیه عمل‌گرای افراد ساکن در مناطق سرد است؛ زیرا اساساً سرما و یخبندان با نوعی احتیاط و دوراندیشی همراه می‌شود. از زمان‌های بسیار گذشته، ساکنان مناطق سرد با فعالیت و تلاش زیاد سعی می‌کردند حتی المقدور نیازها و مایحتاج زمستانی خود را ذخیره سازند و این موضوع به یک رفتار و هنجار عمومی در بین آن‌ها تبدیل شده است. از سوی دیگر درگیری و خشونت‌های کلامی و فیزیکی در فصول گرم سال، بیشتر به چشم می‌خورد و این امر بیانگر تأثیرات دمایی بر آستانه صبر و تحمل انسان است. هر شخصی نیز به تجربه دریافته است که در تابستان و هوای گرم با کلافگی و عصبانیت‌هایی مواجه می‌شود و در زمستان و هوای سرد کمتر با چنین واکنش‌هایی روبرو می‌شود.

قبلاً گذشت که هوای بصره چندان مطلوب نبود؛ مقدسی و حموی آورده‌اند که در بصره گرما سخت است، ولی چه‌بسا هوای شمال بوزد و خنک شود و هرگاه جنوبی باشد، مردم در آبریز و تنگی نفس هستند و به امید گشایش! گاهی در چنان شب‌ها چیزی شیره مانند، بر مردم می‌بارد (مقدسی، ۱۴۱۱: ۱۱۳؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴۳۷/۱). در این سخن به گرمای زیاد، رطوبت بالا و کمبود وزش بادهای در بصره اشاره شده است. بصره نسبت به سایر شهرهای بلاد اسلامی در موقعیتی پست‌تر قرار داشت و شهرهایی که به سطح دریا نزدیک‌ترند نور کمتری از آفتاب را دریافت می‌کنند چراکه هوای مجاور آن‌ها فشرده و غلیظ است و هرچند نور کمتری از آفتاب دریافت شود آلودگی‌های بیشتری دارد چراکه نور آفتاب اثر عمیقی در از میان بردن میکروب‌ها دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۵۱۴/۱).

در روایات اسلامی بادهای یکی از عوامل مهم در سالم نگه‌داشتن محیط و از بین بردن پلیدی‌ها یاد شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

الرِّيحُ هَوَاءٌ إِذَا تَحَرَّكَ سَمِّيَ رِيحاً فَإِذَا سَكَنَ سَمِيَ هَوَاءً وَ بِهِ قَوَامُ الدُّنْيَا وَ لَوْ كُفَّتِ الرِّيحُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَفَسَدَ كُلُّ شَيْءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ وَ تَنْتُنٌ « اگر چند روز بادهای حبس شده و نوزند، همه چیز تغییر کرده و فاسد می‌شوند (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۵/۷۵).

ماندن آب‌های زائد در گودال‌ها و ریختن فاضلاب‌ها در آب‌ها، بصره را به محیطی لجن‌زار و بدبو تبدیل کرده بود. نوزیدن باد و رطوبت بالا نیز بر آلودگی آنجا می‌افزود تا جایی که در شب‌ها، هوا آن‌قدر سخت بود که چیزی شیره مانند بر آنان می‌بارید. متسکیو دانشمند فرانسوی بر این باور است که آب و هوای گرم موجب سستی است چنان‌که در فرد تولید یأس و ناامیدی می‌کند و سبب می‌شود فرد تهور و شجاعت خود را از دست بدهد (متسکیو، ۱۳۶۲: ۳۹۲). ابن سینا بر آن است که ساکنان مناطق گرمسیری بزدل و ترسو هستند و بیشتر سایر مردم نرمش تن دارند (ابن سینا، ۱۳۸۷: ۲۱۳). تأثیرات محیط طبیعی اگرچه اصول بنیادین طبیعت انسان را مانند اندیشه و اراده دگرگون نمی‌سازد؛ ولی آداب و رسوم و قوانینی را به وجود می‌آورد که می‌توانند شئون حیات مردم را رنگ‌آمیزی و توجیه نمایند. با این نظریه، امام (ع)، مردم بصره را محکوم مطلق ننموده است بلکه از نظر علمی محکومیت اهل بصره ناشی از وضع محیطشان بوده است که می‌تواند موقت بوده باشد یعنی با کوشش و تکاپو می‌توانستند تا حدودی اثر آن محیط را خنثی نمایند و در اخلاق و روحيات و رفتارشان دگرگونی ایجاد کنند (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۷۰).

۵. نتیجه‌گیری

مردم بصره با ورود ناکتین به این شهر چشم و گوش بسته به تبعیت از آن‌ها پرداختند و از حمایت امیرالمؤمنین (ع) باز ایستادند. امام علی (ع) سستی و پیمان‌شکنی مردم بصره را قرار گرفتن آن‌ها در محیط جغرافیایی و اجتماعی خاص و هم‌نشینی آنان با افراد کج‌رو دانستند و در مذمت بصریان به تأثیر محیط بصره بر ساکنان آن و مغلوبیت آنان نسبت به محیط اشاره کردند. امام بعد از مذمت بصریان آنان را مورد عفو عمومی قرار داد و غرق شدن بصره در آینده را پیشگویی کرد و از آن‌ها خواست که توبه کرده و اگر می‌خواهند مورد رحمت خداوند قرار گیرند شهر بصره را ترک کنند.

بیانات امام (ع) نشان می‌دهد که اگر انسان‌ها اراده خود را واگذار کنند، عوامل محیطی بر اراده انسانی غلبه می‌کند؛ چنان‌که ساکنین بصره در اثر جهالت و کم‌بصیرتی مغلوب محیط طبیعی و اجتماعی خود شدند. بی‌شک در انحراف بصریان نقش محیط مؤثر بوده است و زمینه انحراف آن‌ها را فراهم آورده است. تأثیر محیط طبیعی و جغرافیایی در خلق و خوی بصریان را می‌توان در موارد زیر جستجو کرد:

۱- آب (نامناسب بودن آب بصره).

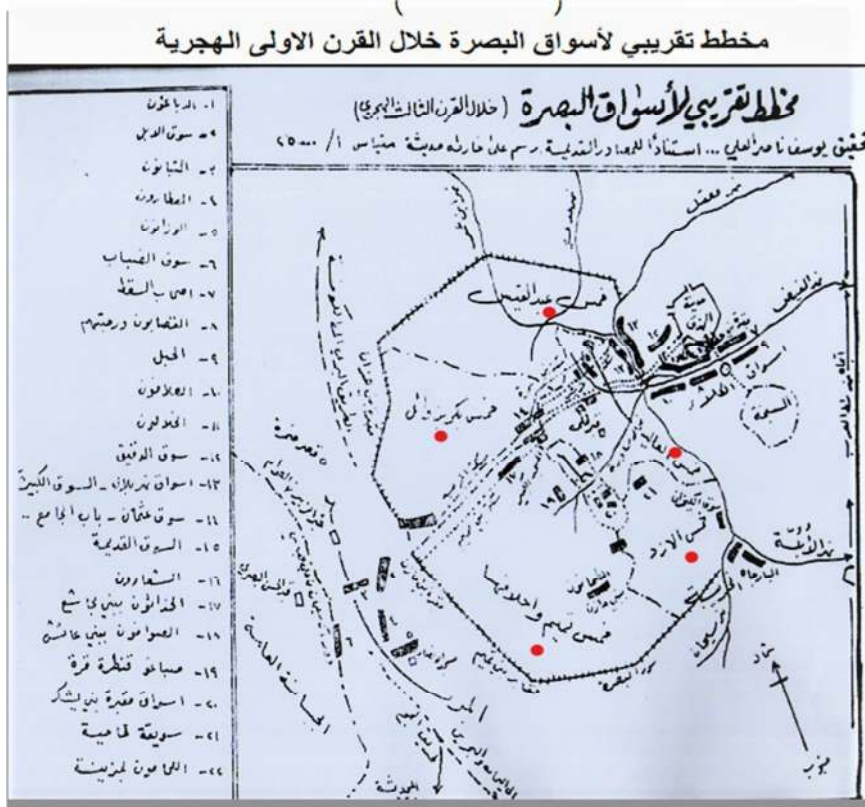
۲- مکان و خاک (قرار گرفتن در نزدیکی دریا و روی آوری و تجمع تجار و بازرگانان در بصره، نزدیکی به ایران و سرازیر شدن غنائم و ثروت به این منطقه، دوری از مرکز حکومت و عدم اطلاع‌رسانی سیاسی و اجتماعی، منشعب شدن راه‌های بسیار از بصره).

۳- هوا (نامساعد بودن هوا در اثر گرما، رطوبت، باد، شرجی بودن).

بدیهی است که تأثیر موارد ذکر شده در حد فراهم آوردن بخشی از زمینه و بستر انحراف بصریان بوده است و هرگز علت تامه در عملکرد ساکنان آن نیست. اگرچه در جنگ جمل جمعیت کثیری از ساکنین بصره به حمایت از ناکثین پرداختند و یا از جنگ کناره‌گیری کردند و به یاری حضرت علی(ع) پرداختند؛ اما در میان آن‌ها تعداد اندکی هم بودند که به حمایت از آن امام همام(ع) برخاستند. این موضوع نشان می‌دهد که حتی در محیط نامناسب طبیعی و اجتماعی هم می‌توان در مسیر حق حرکت کرد و تأثیرات سوء عوامل طبیعی و اجتماعی را خنثی نمود.



نقشه شماره ۱- موقعیت جغرافیایی بصره منبع: (www.islamtimes.org)



نقشه شماره ۲- بازارهای شهر بصره منطقه (السیخه، الخریبه).

پی‌نوشت

۱. علم اکولوژی: تأثیر عوامل زیست‌محیطی بر افکار و اخلاق انسان است که عوامل جغرافیایی در مناطق گوناگون زمین اثرات متفاوتی در رفتار و افکار انسان‌ها دارد.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم
 نهج‌البلاغه
 ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴). شرح نهج‌البلاغه، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر- دار بیروت.
- ابن اعثم الکوفی، أبو محمد أحمد (۱۴۱۱). *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالأضواء.
- ابن جوزی، أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۴۱۲). *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲). *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- ابن فقیه همدانی، احمد بن محمد (۱۴۱۶). *کتاب البلدان*، تحقیق یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۰). *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، چاپ دوم، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۲۰) *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: الحوزه العلمیه بقم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- بحرانی، ابن میثم، (۱۳۶۲). *شرح نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر الکتب.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳). *الغارات*، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: انتشارات عطارد.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسین (۱۳۶۷) *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- حسینی زبیدی واسطی، سید مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دارالفکر.
- حسینی، اکرم السادات (۱۳۹۷). «رفتارشناسی مردم بصره در زمان حکومت امام علی (ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه»، استاد راهنما: کمال صحرانی، میبد: دانشگاه میبد.
- دشتی، محمد (۱۳۹۵). *ترجمه نهج البلاغه*، قم: محمد امین.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۷). *الأخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر و مراجعه جمال‌الدین شیال، قم: منشورات الرضی.
- رمضانی، بهمن (۱۳۷۷). «مطالعات جغرافیای طبیعی، بستر سازنده طرح‌های توسعه روستایی»، مجله جغرافیایی (سپهر)، مطالعات دوره هفتم، شماره ۲۸، ص ۲۴-۲۷.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۶). *فروغ ولایت*، قم: مؤسسه امام صادق.
- سلطانی، مصطفی (۱۳۸۱). «تشیع بصره در قرون نخستین»، قم: مجله تاریخ اسلام، شماره ۱۱، ص ۲۵-۷۰.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۸). ترجمه نهج البلاغه، چاپ چهاردهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). کوفه از پیدایش تا عاشورا، تهران: نشر مشعر.

طبرسی، (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فرهانی.

طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷). جانشینی حضرت محمد (ص)، ترجمه نمائی و همکاران، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

ماسینیون، لویی (۱۳۹۵). جغرافیایی تاریخی کوفه، ترجمه عبدالرحیم قنوت، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۳). بحارالانوار، چاپ دوم، تهران: نشر اسلامیة.

محمدی‌ری‌شهری، محمد، (۱۳۹۰)، دانش‌نامه قرآن و حدیث/ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دار الحدیث.

مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹). مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسد داغر، چاپ دوم، قم: دار الهجرة.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، قم: کنگره شیخ مفید.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴). الامالی، تحقیق حسین الاستاد ولی، علی‌اکبر الغفاری، بیروت: دار المفید.

مقدسی، محمد بن أحمد (۱۴۱۱). أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، چاپ سوم، القاهرة: مکتبه مدبولی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

متسکیو، شارل لوئی (۱۳۶۲). روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نجدی، عبدالله بن عیسی (۱۴۳۱). تاریخ مدینه البصره، تحقیق فاخر جبر، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.

نزار منصوری، عبدالمحسن (۱۳۸۳). النصره لشیعه البصره، قم: مجمع الذاکرین.

نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه نژاد، مهدی؛ دهقانی تفتی، محسن (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر محیط طبیعی بر رفتار و اخلاق از دید متفکران اسلامی و نتایج آن در طراحی محیط مصنوع»، مجله آرمانشهر،

شماره ۵، ص ۶۵-۷۸.

نواب لاهیجی، میرزا محمدباقر (بی تا). شرح نهج البلاغه (نواب لاهیجی)، تهران: ناشر اخوان کتابچی.

یاقوت حموی، ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان، چاپ دوم، بیروت: دار صادر.